



در این شماره ...

با ایمان به پیروزی کارگران و
زحمتکشان . بهاران خجسته باد!
ص ۲

۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم و
برخورد به مسئله زن را محدود
به گرامیدشات این روز نکنیم!
ص ۴

گرامی باد سالروز کمون پاریس .
اولین حکومت کارگری در جهان
ص ۷

با قلبی سرشار

از کینه و شعله

بهار و نوروز هر سال یادآور . نوروز
خونین سندیج و اولین تجربه
حاکمیت توده ای
ص ۸

های خشم

انقلابی به

نامشان زمزمه نیم شب مستان باد تا نگویند
که از یاد فراموشانند
ص ۹

استقبال بهار

بمناسبت ۴ مارس سالروز
درگذشت استالین
ص ۱۰

بشتابیم!

شعر کردستان . سروده علیرضا
نابدل (اوختای)
ص ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

با ایمان به پیروزی کارگران و

زحمتکشان . بهاران خجسته باد!



ناگهان گلوله های ضد انقلاب بر پیکر قیام نشست ،

کردستان به خون کشیده شد و خلق دلاور کرد که بر دستاوردهای انقلاب پای می فشرد دریافت که هنوز تا بهار آزادی راهی خونین در پیش است . خلق دلاور کرد بر سرخترین گل‌های فرو ریخته بر خاک در بهاری غرقه در خون ، یکپارچه مبارزه و مقاومت شد و در برابر تهاجم ضد انقلاب ایستاد و بر آن شد تا از بهاران خونین بگذرد تا بهار آزادی فرا رسد . توده های زحمتکش که در آستانه خونین اولین بهار بعد از قیام ، حاکمیت را نماینده خواست های خود می پنداشتند ، در جریان انقلاب و در فاصله سی و سه بهار ، از بهاری تا بهاری دیگر تا همین بهار که اکنون در آستانه آنیم پرده های وهم و پندار را لایه لایه از چشم بر گرفتند و واقعیت را به تمامی دریافتند . توده های زحمتکش میهن در بند ارتجاع از واقعیات زندگی و تجربه های خشن ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی دریافتند که این حاکمیت سدی است در برابر انقلاب ، که روز به روز بر شدت سرکوب کارگران و زحمتکشان می افزاید . توده های زحمتکش دیدند که مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با همکاری خائنین چگونه بهار کردستان را بخون کشید . دیدند که چگونه در ترکن صحرا با توپ و تانک ، ارتشی و پاسدار ، خانه های مردم و دلاوران ترکمن را به آتش کشید . و به حمایت از از سرمایه داران و زمینداران بزرگ شوراها و ستاد خلق کرد ترکمن را جنون اسافرو کوفت . دیدند که چگونه خلق عرب را دسته دسته شکار کرد و به گلوله بست . دیدند و همچنان می بینند که

چگونه مبارزات کارگران ، تحصن ها و اعتصابات کارگری را با چوب و چماق و گلوله زیر هجوم میگیرد . دیدند چگونه به ضرب و شلاق و تحقیر و تکفیر به پایمال کردن حقوق انسانی و سیاسی اجتماعی زنان همت گماشت و زنان را با توسل به احکام قرون وسطای اسلامی از ابتدای ترین حقوقشان محروم کرد . دیدند چگونه دستاوردهای انقلاب ، شوراها ، مطبوعات آزاد و اندیشه آزاد را با هزار نیرنگ و ضربه ی پنهان و آشکار به بند کشید . و همچنان می بینید که چگونه قانون پشت قانون و لایحه پشت لایحه در حمایت از سرمایه داران و جنایتکاران و مزدوران به تصویب می رسانند . اما کارگران و زحمتکشان که همواره جوانه های امید را در خفته ترین شرایط تاریخی در اعماق زندگی پرورده اند و در هستی تاریخی خویش جنایتکارانه ترین رژیم های سرمایه داری را فرو کوفته اند و واژگون کرده اند باز هم از بهار طبیعت حتی با دستهای تهی استقبال خواهند کرد . بگذار این بهار هم همچون هزاران بهار بر سفره نوروزی زحمتکشان جز گرسنگی ، فقر ، بی خانمانی ، گرانی ، بیکاری ، رنج و تلخی زندگی نباشد . زحمتکشان این بهار را نیز اگر شد با گلدان گلی ارزان با پاره ای نان و ظرفی خورش ، با مثنی نقل و بشقابی شیرینی و اگر نشد حتی با لبخند شاد باش خواهند گفت و باز هم جوانه های امید را در اعماق رنج خواهند پرورند و مبارزه ای چنان عظیم را سامان بخشند که برای همیشه بساط ظلم و ستم و استثمار را از میان ببرند و تمام فصول سال " بهار آزادی " زحمتکشان شود و عید واقعی آنها فرا رسد . و اما امروز در آستانه بهار و سال نو ، شرایط زندگی توده های زحمتکش به دلیل تحریم و توروم و حذف

بهار طبیعت بیان و جلوه ی پیروزی هستی نو بر تیرگی زمستان ، زایش سرآور آن از بطن خاک تیره زمستان ، آینه ای از آرزوها و آمالی است که جامعه بشری در زیر بار ستم و سرکوب بندگی ناشی از وجود جامعه طبقاتی ، در امیدهای ابدی خویش برای تحقق آنها مبارزه می کند . پیروزی نو بر کهنه ، نور زندگی بر سرما و رخوت مرگبار زمستان ، نشانه بارزی از پیروزی حیات نو ، بر فقر و فلاکت و بدبختی است ، سال نو با گام های پرطنین خود پیام آور روزهای شکفتگی آینده و امید بخش مبارزات امروز برای بنیان فرداهای روشن بر ویرانه ی بی عدالتی و استثمار است . با فرا رسیدن بهار و نوروزی که در راه است ، قیام سی و سه بهار را پشت سر می نهد بی آنکه با بهار آزادی کارگران و زحمتکشان دیداری داشته باشد و بی آنکه شکوفه هایش در فضائی تهی از ستم طبقاتی و سرشار از نسیم رهائی شکفته باشد . در جریان انقلاب و بعد از قیام اولین بهار که فرا رسید ، زحمتکشان بهار را بهار آزادی و رهائی پنداشتند و با درودهای آتشین بهار را تهنیت گفتند چنان که گفتی این بهار بهاری دیگر است . بهاری پشت آنهمه فریاد و خون ، سرشار از لبخند امید و لهله شادی . بهاری با شکوفه های هم رنگ خون انبوه بخون خفتگان ، بهاری که بر برگ برگش غروب سرمایه داری و نابودی ستم و استثمار طبقاتی و طلوع رهائی کارگران و زحمتکشان نقش بسته است . اما هنوز لبخند بر لب زحمتکشان گل نیداخته بود که

یارانه ها صدها بار مشقت بارتر و دشوارتر از گذشته شده است اکنون در آستانه سال نو ، در حالی که سرمایه داران و مفت خورها ، وابستگان و جیره خواران رژیم جهل و جنایت حامی سرمایه داران به بهای فقر و فلاکت توده ها برای خود عید می گیرند و جشن برپا می کنند ، در حالی که بر سفره آنها انواع و اقسام غذا ، بر سر میزهای پذیرائی شان دهها نوع شیرینی ، آجیل و میوه گذاشته شده است و فرزندان آنها در لباسهای رنگارنگ و زندگی تجملی خود فخر میفرروشند ، کارگران ، دهقانان و زحمتکشان وفادار به آرمانهای انقلاب میهنمان که زیر بار گرانی سرسام آور و بیکاری ، با فقر و فلاکت روزافزونی روبرو هستند ، حتی قادر نیستند یک دست لباس ارزان قیمت برای فرزندان خردسال خود بخرند و شیرینی و میوه تهیه کنند ، سال نو را نه با شادی و سرور بلکه با تلخی ناشی از فقر ، مصیبت و تنگدستی با خشم و نفرت نسبت به نظامی که در یک سوی آن اقلیتی در ثروت و خوشبختی و در سوی دیگر آن فقر و تهیدستی ، قرار دارد آغاز می کنند . هم اکنون در آستانه سال نو هزاران هزار تن از هموطنان زحمتکش ما بیکارند ، و زیر بار قرض و گرسنگی ، زندگی آنها در خطر نابودی واقعی است . رشد هراسناک مشاغلی چون دست فروشی ، ماشین شوئی ، سیگار فروشی و ... افزایش گدائی و دزدی و اعتیاد که اکنون ابعاد وسیعی بخود گرفته است حکایت از این فقر و فلاکت دارد .

در طی همین چند ماه گذشته قیمت اکثر کالاهای مورد نیاز به دو تا سه برابر افزایش یافته و ارزش پول به میزان حیرت آوری کاهش یافته است . اما نه تنها مزد و حقوق کارگران افزایش نیافته ، بلکه همان مزد و حقوق اسمی هم با

اشکال گوناگون کاهش یافته و یا اصلاً پرداخت نشده است . کارگران که همیشه تحت فشار و استثمار شدید قرار دارند همواره با فشار لزوم افزایش تولید مواجه بوده و هستند و دستمزد آنها به بهانه های مختلف کاهش یافته است اکنون زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و اکنون رژیم ضد انقلابی سعی دارد به بهانه های مختلف آنان را بدون پاداش و عیدی و سود ویژه یعنی در حقیقت با کسر بخشی دیگر از دستمزدشان به پیشواز عید و سال نو بفرستد . اینهمه مصیبت و بدبختی برای توده های زحمتکش میهن ما ثمره و ارمان نظام ارتجاعی و پوسیده سرمایه داری و دولت حامی سرمایه داران است ، دولتی که بجای پاسخگویی بحداقل خواستههای زحمتکشان به سرکوب ، شکنجه ، کشتار ، اختناق و زندان متوسل شده است . آری چنین است وضعیت حاکم بر جامعه ما و زندگی زحمتکشان در آستانه سال نو و چنین است که توده های ستمدیده ، محروم و مبارزه ما در آستانه عید با دستهای خالی از نان و آزادی اما با قلبی سرشار از کینه و خشم طبقاتی باستقبال بهاری تازه می شتابند . بهاری که همچنان از خون دلاوران کرد ، ترک ، ترکمن ، عرب ، بلوچ و فارس و از خون هزاران انقلابی ، کارگر و دهقان و روشنفکر انقلابی گلگون است . آری در آستانه سی و چهارمین بهار قیام ، ایران گوزن آزموده ای است که از بدرقه سی و سه بهار تلخ و دردناک می آید و می رود که این سی و چهارمین بهار را در فرایند اعتصابی سراسری و قیامی مسلحانه به بهاری همیشگی مبدل سازد که بهار آزادی باشد ، که عید واقعی کارگران و زحمتکشان باشد .

مقدمش خجسته و گرمی باد .

بهاری سرخ در پیش است !
در آغاز سالی که هیچش به سالیان نمی باشد
شعار ما اینست:
” سالها نه بدین سالیان ”
گفتیم دستی بر آریم و صدائی.
گرد آمدیم ... ما شدیم و خود را رها کردیم
سنگفرشایمان
از خونهای ریخته رنگین شد
عزیزانمان ...
تک تک . گروه گروه . به تاریخ پیوستند
تاریخ ما . تاریخ خون شد
در گیسو دار رزم .
بیر گفتار تاریخ کهنه ارتجاع
با واژه های تفرقه و نفاق .
ندای رسالت برآورد
خون را به جای نان . فقر را بنام آزادی .
قسمت کرد .
اینک در هر بهار
مردم در خانه به جای سبزه . کینه
میکارند .
در هر نوروز .
به جای شمع . در سفره ها خنجر می نشانند.
هر خانه اگر در عزای شهیدی نیست .
آشیانه
کفتاری است.
در تمام وسعت ایران
خون شهیدان به هم پیوسته است ف
و می پیوندد و می پیوندد و می پیوندد .
موج در موج .
رود در رود .
اینک . رودخانه ای خون .
رودخانه خشم توده هاست
کز وسعت خونی ایران میگردد .
میدانم قیام نزدیک است .
قیامی دیگر .
میدانم تاریخ ما دوباره ورق خواهد خورد .
میدانم نوروزی در راه است
با ” بهاری سرخ ”
و ما میتوانیم دوباره بگوئیم
” صد سال به این سالها ”

۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داریم و برخورد به مسئله زن را محدود به گرامیدشات این روز نکنیم!



هشتم مارس مصادف با ۱۷ اسفند ، روز همبستگی بین المللی زنان ، بیش از ۱۰۰ سال قبل در چنین روزی زنان زحمتکش نیویورک با برپا نمودن یکی از بزرگترین تظاهرات قرن ، علیه استثمار شدید و کار طاقت فرسای ۱۲ ساعته ، و نیز کسب حق رای برای زنان ، صدای رزمنده و پر طنین خود را به گوش جهانیان رساندند . اگر چه خواست های آنان در همان مرحله تحقق نیافت ، لیکن جرعه ای بود که در تداوم خود این روز بزرگ را به نقطه عطفی در تاریخ مبارزات زنان جهان مبدل ساخت . زنان مبارز امریکا توانستند در ادامه مبارزات خود به خواستهای بر حق خویش علیه نظام سرمایه داری این میراث خوار تمامی سببیت های جوامع طبقاتی ، دست یابند و وحشت و هراس در دل نظم پوسیده حاکم بیندازند . از همین رو نیز در ۱۹۱۰ به پیشنهاد کلارا زتکین (یکی از برجسته ترین رهبران جنبش کارگری آلمان) و به پاس بزرگداشت مبارزات قهرمانانه زنان امریکا در ۸ مارس ۱۹۰۴ که در ادامه خود گسترش جهانی یافت ، و خواستهای آنان را به خواست عمومی مبارزات زنان در سراسر جهان مبدل ساخت در کنفرانس بین المللی زنان در کپنهاک ، ۸ مارس بعنوان روز جهانی زنان در مبارزه برای رهایی اعلام گردید و از آن تاریخ به بعد تمام زنان جهان با برپا کردن تظاهرات ، اعتصابات ، و میتینگ

ها در سراسر جهان و به هر شکل ممکن این روز را گرامی داشته ، مبارزات خود را علیه نظم سرمایه داری و تمامی بقایای نظامات کهنه و پوسیده تشدید می کنند و بدین وسیله اعتراضات وسیع خود علیه بی حقوقی نیمی از جامعه را بعنوان یکی از تجلیات منحط جهان سرمایه داری به نمایش می گذارند . تاریخ جوامع طبقاتی بیانگر ننگ ابدی تحقیر زنان از سوی طبقات حاکم بوده و هست . در کلیه این جوامع زنان از نظر موقعیت اجتماعی همیشه در رده دوم قرار داشته ، و به عنوان موجودی ضعیف که تنها یارای اداره و سرپرستی فرزندان خویش را دارد ، مد نظر قرار گرفته است . تاریخ جوامع طبقاتی همانگونه که نشان دهنده تغییر شکل استثمار انهنهاست به همان شیوه نیز نماینگر تنوع در ایجاد این حقارت و عقب ماندگی در مورد زنان هست . اگر در جامعه فنودالی زن بعنوان انسانی ناقص العقل برده مادام العمر مرد به شمار می رفت ، در جامعه سرمایه داری علاوه بر پرورش نیروی کار ارزان برای بازار کار سرمایه داری خود نیز بمثابة ی نیروی کار ذخیره بشمار می رود . نظام سرمایه داری

تمامی تحقیر زن در عرصه تولید و با پرداخت دستمزد کمتر ایجاد نا برابری آنان نیز به نمایش می گذارد و در مقابل کار برابر با مردان ، دستمزد نابرابر به زنان پرداخت می کند .

اگر مشخصه زنان در جوامع ما قبل سرمایه داری ، اسارت زنان فقط در چهار چوب کار خانگی و تنزل زن به مقام تولید کننده نسل انسان بود ، با رشد تکنیک و تکامل مناسبات تولیدی در جامعه بورژوازی ، زنان علاوه بر اسارت ، کمابیش در همان چهارچوبها در عرصه ی دیگری به تحقیر کشیده شده اند . کار در بدترین شرایط و با نازلترین سطح دستمزد در کارگاهها و کارخانه ها تنها نصیب زنان از تکامل مناسبات اجتماعی و پیشرفت جامعه بورژوازی شده است .

هزاران سال تحقیر و توهین و خوار شمردن نیمی از انسانها جامعه ، آنچنان پتانسیل انقلابی در زنان ایجاد نموده است که انفجار آگاهانه ان در جریان یک انقلاب اجتماعی ، قدرت عظیمی را برای راهائی از تمامی کثافات ناشی از بیرحمانه ترین شکل ستم طبقاتی را ، آزاد نموده و در خدمت رهایی کل محرومان جامعه قرار خواهد داد .

در ابتدای شکوفائی سرمایه داری زنان و کودکان بعنوان " ارتش ذخیره کار " در کارخانه ها و مزارع و زیر تازیانه کار طاقت فرسای شبانه روزی به شدترین وجه استثمار می شدند ، در عین حال شمشیر داموکلسی بشمار می رفتند که بورژوازی جهت تشدید ستم و استثمار و ایجاد فشار بر مردان هم طبقه آنها بکار می گرفت . اما با رشد روز افزون صنعت و گستردگی میدان تولید ،

به موازات کشاندن هر چه وسیعتر زنان به عرصه تولید، و در کنار آن مبارزات پر دامنه کارگران علیه نظام سرمایه داری، بورژوازی را وادرا ساخت تا برخی از حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان را به رسمیت بشناسد. اگر چه این حقوق همواره فقط جزئی از حقوق زنان بمثابه نیمی از جامعه است، با این وجود در این چهار چوب نیز حتی در پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری، احقاق حقوق کامل آنان هیچگاه مورد تائید کامل بورژوازی قرار نگرفت. اما به موازات افزایش نقش زنان در تولید اجتماعی، خارج شدن آنان از محدوده تنگ کار خانگی و تجمع شان در زیر سقف های کارخانه ها، باعث گردید که زنان هر چه بیشتر به عرصه مبارزه متشکل کشانده شوند، و ضرورت مبارزه برای رهائی از قید و بندهای نظام نکبت بار سرمایه داری را با گوشت و پوست خود لمس نمایند.

حرکت زنان اگر چه در اوان مبارزات خویش بیشتر در جهت کسب حقوق دمکراتیک بود، اما بموازات رشد سرمایه داری شرکت مستقیم و گسترده تر زنان در تولید اجتماعی، شدت بافتن ستم و استثمار علاوه بر ستم مرد سالاری، باعث گردید که جهت مبارزه آنان بیش از پیش جنبه طبقاتی بخود گیرد و کینه ناشی از حکومت بربریت و توحش جامعه طبقاتی با کینه طبقاتی در زنان پیوند ناگسستی بخورد. بدون شک مبارزه زنان در کلیت خود یک مبارزه دمکراتیک است ف چرا که در وهله اول باید بر حقوقی که هزاران سال جوامع طبقاتی با فرهنگ مرد سالاری، آنها را پایمال کرده است دست یابند. اما خطا

خواهد بود هرگاه گمان کنیم این مبارزه در همین چهارچوب و با همین خواست ها می تواند به سرانجام موفقی برسد و هدف های پیروزمندی را در پیشروی خود قرار دهد. در عصر امپریالیسم هر تحول دمکراتیک تنها در چهارچوب انقلابات پرولتری مفهوم پیدا می کند و از همین زاویه تحقق کامل حقوق اجتماعی زنان جز از طریق انقلاب پرولتری ممکن نیست، از طرفی نیز پیروزی قطعی این انقلابات بدن شرکت فعالانه و مستقیم این نیمی از جامعه امکان پذیر نخواهد بود. بدون تلفیق این مبارزه برای رفع ستم مضاعف در جامعه سرمایه داری، با مبارزه برای محو موجودیت این نظم ستمگرانه نیروی عظیم و پتانسیل قدرتمند مبارزات نیمی از جامعه یعنی زنان هرز خواهد رفت. یکی از درخشانترین نمونه های پیوند مبارزه زنان با جنبش طبقه کارگر تظاهرات پرشکوه روز جهانی زن در هشتم مارس 1917 در پتروگراد بود. در این روز زنان زحمتکش روسیه بر ضد تزاریسیم به خیابانها ریختند و بر ضد تزار و جنگ و گرسنگی و برای تحقق صلح، آزادی به پیکار برخاستند. این روز سر آغاز انفجار خشم انقلابی کارگران و زحمتکشان روسیه گشت که در ادامه خود به انقلاب منجر شد و بساط استبداد و استثمار تزار را برچید. این نمونه و دهها نمونه ی دیگر از شرکت فعال زنان در جنبشهای انقلابی، نقش سترگ آنان را در انقلاب پرولتری بیش از پیش آشکار می سازد.

تاریخ مبارزه طبقاتی در ایران نیز همواره با مشارکت مستقیم زنان در مبارزه علیه نظام سرمایه داری عجین

گشته است. زنان مبارز ایران با دلاوریهای قهرمانانه خود نقش بارزی را در مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران ایفا نموده اند. آنان طی مبارزات حماسی خویش، در زیر شکنجه های سبعانه رژیم، در میدانهای تیر باران خاطرات شکوهمندی به جا نهاده اند که نشانگر مقاومت و جسارت انقلابی و ایمان راسخ آنان به رهائی و نقش آنان در روند مبارزه طبقاتی است. مبارزه بی آمان زنان کارگر و زحمتکش دوشادوش مردان ستمدیده، از خود گذشتگی و جانفشانی آنان در قیام بهمن ماه 57 جلوه ای دیگر از نبرد آنان علیه ستم و استثمار را به بهترین وجهی به نمایش گذاشت.

اگر در اوایل رشد سرمایه داری در ایران، بورژوازی برای دستیابی به نیروی کار ارزان و کشانیدن هر چه گسترده تر زنان به عرصه تولید جهت استثمار هر چه بیشتر، نمایشات مسخره ای را براه انداخت و با توسل به سرنیزه زنان را وادار ساخت تا بر اساس قانون "کشف حجاب" چادرها را از سر پائین کشند و رژیم سلطنتی پهلوی با تبلیغات گسترده خود مبنی بر آزادی زن زنان زحمتکش را در شکل دیگری به میدان ستم و استثمار فرا خواند.

امروز نیز رژیم جمهوری اسلامی که تلفیقی از ارتجاع کهن با ایده های متحجر مذهبی و دیکتاتوری عریان سرمایه است، زنان را مجبور به اجرای دهها قانون ارتجاعی و محرومیت از هرگونه حقوق اجتماعی نموده است و همان اهداف رژیم پهلوی را با ظاهری کاملاً متفاوت و در شرایط بحرانی نظم حاکم به پیش می

برد. زنان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بطور روز افزون و توسط اعمال سرکوب بدرون خانه ها و زندانهای سیاهی به نام چادر کشیده شدند. و همچون این سی و سه سال در تلاش است که تا با لغو هرگونه حقوقی بار عظیم بحران کنونی را با تحمیل بیکاری و فقر بر بخش وسیعی از جامعه سرشکن نماید. رژیم جمهوری اسلامی بعد از به قدرت خزیدن خود ضمن تعرض به تمامی دستاوردهای قیام، یورش وحشیانه ای علیه زنان مبارز را آغاز نمود و سلب ابتدائی ترین حقوق زنان سیاهترین بخش کارنامه ننگینی است که از خود بجای نهاده است. در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی امروز نه تنها از آزادی تشکل، تجمع و شغل و غیره سخنی در میان نیست، و هرگونه امکان تشکل علنی و آزاد از زنان سلب شده است، بلکه حتی ابتدائی ترین حقوق زنان نظیر حق انتخاب آزادانه همسر، آزادی حق طلاق و غیره نیز از آنان سلب گردیده است. دخالت آشکار مذهب در امور دولت خطرناکترین و پیگیرترین دشمن آزادی بطور عام و آزادی زنان بطور خاص می باشد. نقض آشکار حقوق زنان در ایران خود را در تدوین مقررات ارتجاعی نظیر حجاب اجباری، سنگسار زنان ف صیغه که چیزی جز فحشا قانونی نیست، نشان می دهد در حکومت اسلامی زن فقط وسیله زاد و ولد و تمتع جنسی بحساب می آید و نه انسانی که می تواند و باید دوشا دوش مردان در تولید اجتماعی شرکت کند و از حقوق و موقعیت اجتماعی برابر با آنها برخوردار باشد. افشای دخالت

مذهب در امور دولت در هر شکل و شمای آن، نقض حقوق اجتماعی زنان، گامی در جهت ارتقاء سیاسی - طبقاتی زنان زحمتکش است. در ایران امروز سبی حقوق دمکراتیک زنان و توهین و تحقیر آنان و محروم ساختن آنها از ابتدائی ترین حقوق خویش در میان ملیت های تحت ستم بنابه وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها تشدید نیز می شود. بی حقوقی زنان در میان ملیت های تحت ستم، در مواجهه با سطح نازل رشد اجتماعی و اقتصادی و بقایای نظامات پوسیده و ارتجاعی، بمراتب گسترده تر می گردد. در کردستان انقلابی نیز علیرغم تاثیرات جنبش انقلابی، زنان زحمتکش خلق کرد با توجه به سطح رشد مناسبات متحجر و عقب مانده بسر می برند. زنان در کردستان انقلابی علاوه بر ستم ملی، کار طاقت فرسای روزانه همواره از جانب فرهنگ عقب مانده مرد سالاری، اداب و سنن منحط در زیر فشار و تنگنا قرار دارند. وضعیت اسفبار آنان که تحت تسلط فرهنگ و رسومات ارتجاعی، ناشی از عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی، قرار دارند، زنان زحمتکش را مجبور ساخته است تا برای ادامه حیات توأم با فقرشان، تحت ظالمانه ترین رسومات به سر برده، مورد استثمار واقع گردند. کار در کوره پزخانه ها و کارگاههای قالی بافی شدیدترین شکل استثمار است که زنان کارگر و زحمتکش کردستان علاوه بر کار در مزارع و کارخانه، ناگزیر به تحمل آن هستند. این بی عدالتی ها هنگامی تکمیل می گردد که نقض ابتدائی ترین حقوق انسانها که در مورد تمامی

توده های زحمتکش اعمال می گردد نیز بر آن اضافه می گردد. رژیم جمهوری اسلامی طی سی و سه سال سرکوب خونین خلق کرد زنان زحمتکش کردستان را بیش از همیشه مورد یورش وحشیانه خود قرار داده است.

هر چند امروز در کردستان هنوز بقایای روابط و مناسبات عقب مانده نمود خود را سنت های کهن و پوسیده قرون وسطائی در مورد زنان آشکار می سازد و در بعضی از مناطق مناسبات عشیرتی همچون "ژن به ژن" علیرغم منسوخ دانستن چنین سنتی از طرف سازمانها و نیروهای مترقی و انقلابی، در کردستان بعنوان واقعیت عینی باقی است ولی باید اذعان داشت که تنها با سرنگونی نظام حاکم و ایجاد تحولات عمیق اجتماعی است که تمام سنتهای عقب مانده و ارتجاعی از میان خواهد رفت و زنان زحمتکش خلق کرد همراه زنان سراسر میهن در بند ارتجاع به حقوق اجتماعی و سیاسی خود دست خواهند یافت. تنها در چنین جامعه ای زنان از حقوق برابر اجتماعی برخوردار خواهند بود، هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت از میان خواهد رفت و زنان خواهند توانست فعالانه و با برخورداری از تمامی حقوق خود در کلیه فعالیتهای سیاسی - اقتصادی - فرهنگی شرکت کنند.

امروز که سی و سه سال از حکومت توحش و بربریت قرون وسطائی جمهوری اسلامی می گذرد و سیاست های ضد دمکراتیک و ارتجاعی آن برای تمامی توده های زنان ستم دیده ایران آشکار گشته است و کلیه تشکلهای دمکراتیک زنان در سراسر ایران سرکوب و نابود شده است ف امروز که

هنوز سازمانهای بورژوازی، هر یک به نوعی قصد پایمال نمودن حقوق دمکراتیک زنان را دارند، وظیفه همه کمونیستهاست که زنان کارگر و زحمتکش را به منافع طبقاتی خود آگاه سازند و با متشکل ساختن آنان حرکت های اعتراضی آنها را سازماندهی نمایند و با جهت دادن به مبارزه آنها علیه نظام سرمایه داری، برای پیشبرد اهداف جنبش انقلابی عرصه ای دیگر از مبارزه طبقاتی در جهت احقاق حقوق زنان بازکشایند و از این طریق زنان زحمتکش را به میدان نبردی پیگیر و مداوم با رژیم جمهوری اسلامی فرا خوانند. صدها زن کمونیست و مبارزه که در زیر شکنجه های وحشیانه و جنون آمیز، در بطن مبارزه طبقاتی در درون جامعه و در صفوف مقدم مبارزه با ایمان خلل ناپذیر به آرمانهای والای طبقه کارگر به مبارزه برخاسته اند تا جامعه ای را بنانند که از ستم، استثمار، اختناق، فقر و بردگی خبری نباشد، هزاران زن انقلابی در خون خود غلطیدن و دهها هزار رزمنده در بند نشان دهنده ی عزم راسخ زنان جامعه انقلابی ما در جهت محو تمامی آثار سلطه طبقاتی است.

امسال هشت مارس را در شرایطی گرامی میداریم که علیرغم سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه انقلابی زنان در عرصه های گوناگون در کردستان و سراسر ایران ادامه دارد. هم اکنون زندان های قرون وسطائی رژیم مملو از زنان قهرمان و مبارزی است که هر روزه در قتلگاههایی همچون اوین، در زیر شکنجه های جنون آمیز مزدوران رژیم حماسه می

آفرینند. زنان زحمتکش و تحت ستم و استثمار سراسر میهن جمهوری اسلامی زده که قرنهای متمادی، در اسارت سنن ارتجاعی و قید و بندهای آن زیسته اند، امروز در پیکار خود، به عنوان نیمی از جمعیت زحمتکشان، با به کارگیری انرژی انقلابی خود، جهت

بر انداختن ستم و استثمار، می روند که نقش بسزای خود را در این رزم حماسی ایفا نمایند و ضمن به گور سپردن تمامی سنن عقب افتاده به اثبات رسانند که هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید.

گرامی باد سائروز کمون پاریس. اولین حکومت کارگری در جهان



"خاطره ی مبارزان کمون پاریس نه تنها برای کارگران فرانسوی بلکه برای پرولتاریای سراسر جهان عزیز و گرامی است، زیرا کمون تنها برای بدست آوردن چند خواسته ی ناچیز محلی یا منحصر" ملی نبود که مبارزه کرد، بلکه تلاش او برای رهایی تمام انسانهای زحمتکش و همه ی تحقیرشدگان و توهین دیدگان بود... غرش توپهای پاریس عقب مانده ترین قشرهای پرولتاریا را از خواب عمیق برانگیخت و در همه جا شور و حرکتی تازه به تبلیغات انقلابی سوسیالیستی دارد. برای همین است که اثر کمون پاریس نه تنها از بین نرفته بلکه تا زمان حاضر نیز در وجود هر یک از ما زنده است." لنین - به یاد کمون در دمامدم سحر به سپیده ی روز 28 اسفند سال 1249 (18 مارس 1871) کارگران انقلابی در پاریس پس از شش ماه جنگ علیه ارتش پروس و بورژوازی خودی، در محاصره، و گرسنگی با شلیک توپ های بیدار باش، برپایی نخستین حکومت کارگری در تاریخ بشر را اعلام نمودند: زنده باد کمون!

در این روز کموناردها، بعنوان پیشتازان انقلاب پرولتری، طی یک قیام مسلحانه قدرت سیاسی را به کف گرفتند و نخستین حکومت کارگری را برپا داشتند. کمون با عظمت و شکوه، قدرت اراده کارگران را در امر گسستن زنجیرهای اسارت اور نظام سرمایه داری بنمایش گذارد و با آنکه هفتاد و دو روز بیش نپائید، اما میراث گرانبهائی از تجارب و درسهای خود برای استثمارشدگان و ستمدیدگان سراسر جهان برجای گذاشت. تجارب کمون در پیشرفت انقلاب پرولتاریای جهانی تاثیرات عمیقی داشته است و بعنوان اولین گام عملی بیش از هر چیز صحت آموزشها و اصول مارکسیسم، در زمینه وظائف نوینی، پرولتاریا را در قبال دستگاه دولتی بورژوازی، بااثبات رسانیده است.

بنابراین یابود کمون نه مختص کارگران فرانسوی بلکه به امری جهانی مبدل گشته و هر ساله کارگران آگاه همه کشورها با هبستگی یاد پیشینیان خود و رزمندگان کمون را گرامی میدارند و همچنان که مارکس نوشت: "اصول کمون جاودانه و از بین نرفتنی اند و مادامیکه هنوز طبقه کارگر آزادی اش را بدست نیآورده است این اصول معتبرند."

ما نیز در یکصد و چهل و یکمین سالگرد کمون پاریس با گرامیداشت یاد دلاوران و قهرمانان راه کمونیسم بر اصول و آموزشهای جنبش انقلابی طبقه کارگر جهانی پای فشرده و مشعل فروزان آنها همچنان در فراسوی مبارزه خود ننگه میداریم.

بهار و نوروز هر سال یادآور . نوروز خونین سنندج و اولین تجربه حاکمیت توده ای

را وادار ساخت هم در کردستان و هم در ترکمن صحرا به خواست این خلقهای مبارز تمکین نماید و در مقابل آنان سر تسلیم فرو بیاورد . در سنندج برای نخستین بار شورای انقلابی شهر با انتخاب مستقیم مردم کنترل همه امور شهر را بدست گرفته و در ترکمن صحرا خلق ترکمن با تاسیس ستاد مرکزی شوراهای دهقانی بر سرنوشت خویش حاکم گردید . شوراهای دهقانی ترکمن و بنکه های سنندج اولین اشکال نطفه ای اعمال حاکمیت توده ای بودند که با مقاومت دلیرانه و حماسه آفرین توده های خلق پدیدار شدند و بمثابه سنگ بنای اعمال حاکمیت توده ای در تاریخ مبارزات انقلابی مردم میهن ما به ثبت رسیده است . اگر چه این دستاوردهای انقلابی ابتکار انقلابی توده ها ، به خاطر ضعف تشکل و فقدان سازمان یافتگی سراسری جنبش بعدها توسط رژیم درهم شکسته شد اما تجارب

ضد خلق خود در پشت پرده خوش باوری توده ها می نمود ، در زمانی که اعمال حاکمیت توده ها را رو در روی منافع غارتگرانه امپریالیسم و بورژوازی دید از روحیه مقاوم و سازش ناپذیری توده های مردم به هراس افتاد ، بدون کوچکترین تردیدی فرمان جهاد را صادر نمود و زحمتکشان کردستان و دیگر را در اولین بهار پس از قیام به آتش بست . امپریالیسم جهانی و جمهوری اسلامی از همان فردای روز قیام برای مقابله با تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان و خواستهای بر حق کارگران و زحمتکشان خلقهای ایران بویژه خلق کرد ، ترکمن ، عرب و بلوچ به تجدید سازمان ارتش پرداختند تا انتقام قیام بهمین را که ضربات سهمگینی به رژیم پوسیده سرمایه داری

بهار امسال سی و سومین بهار مبارزه خونبار کردستان است . بهار 1358 یعنی اولین بهار بعد از قیام که بهار آزادی نام گرفت برای کردستان نوروز خونین بود . هنوز بیش از دو ماه از سقوط رژیم 2500 ساله شاهنشاهی نگذشته بود که توپخانه ارتش رژیم تازه بقدرت خزیده جمهوری اسلامی ، به منظور درهم کوبیدن ابتکار انقلابی توده های مسلح خلق ، کردستان را نشانه گرفت و با ویران کردن بسیاری از خانه های مسکونی تعداد بیشماری از مردم سنندج را به خاک و خون کشید . هنوز غرش پرشکوه قیام بهمین ، در فضای ایران طنین انداز بود که غرش مهیب فانتومهای ارتش آریا مهربی به فرمان خمینی شهر سنندج را به لرزه در آورد و هلی کوپترهای آمریکائی زن و کودک و پیر و جوان را زیر آتش گلوله های خود گرفت . رژیم جمهوری اسلامی همزمان با کشتار جنایتکارانه در کردستان به منطقه ترکمن صحرا نیز یورش آورد ، به اجتماع آرام مردم که بدعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اعتراض به جو ترور و خفقان تحسن کرده بودند ، وحشیانه حمله برد و به جای پاسخگویی به خواستهای حق طلبانه مردم آتش مسلسل هایش را بروی آنان گشود . رژیم جمهوری اسلامی و رهبر ضحاک صفت ان که در غیاب یک رهبری انقلابی کارگری متمرکز ، بر توهم توده های ستمدیده ایران سوار شده بود و تا قبل از بقدرت رسیدن ، مذبحخانه تلاش در پنهان نمودن چهره

وارد آورده بود از توده بگیرد . رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با این

**جمهوری فدراتیو شورایی ایران که خود از اتحاد
داوطلبانه کارگران و زحمتکشان مناطق . ملیتها و
فرهنگهای مختلف تشکیل می شود . حق تعیین سرنوشت
ملل را تا سرحد جدایی کامل برسمیت می شناسد .**

ارزشمند آن دوره همچنان در خاطره تاریخی توده ها باقی مانده است . آنها در ادامه این مبارزه انقلابی و در خیزش آینده خود آنرا بکار خواهند بست . در سی و سومین سالگرد نخستین نوروز خونین یاد و حماسه های غرور آفرین مقاومت توده های زحمتکش خلق کرد و خلق ترکمن را گرامی بداریم و تجارب ارزنده آنرا برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری فدراتیو شورایی بکار ببندیم .

کشتار های ددمنشانه از همان اوان به قدرت رسیدن خود ثابت کرد که تا چه اندازه از اعمال اراده انقلابی توده ها هراس دارد تا چه میزان از روحیه مقاوم و سازش ناپذیر خلقهای انقلابی ایران بیمناک است و چرا برای نجات خود از هیچ اقدام جنایتکارانه ای فروگذار نمیکند . اما اعمال اراده و روحیه انقلابی توده های مسلح این تعرضات وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی را درهم شکست و او



نمایشان زمزمه نیم شب مستان باد تا نگویند که از یاد فراموشانند

رفیق سادات کاسپیان (اسکندر) ، رفیق منصور اسکندری ، رفیق محمد شایب کیش (کاظم) ، رفیق احمد غلامیان (نگرودی) هادی ، رفیق حسن بدر شاه چی ، رفیق نظام

سالگرد بخون خفتن رفقا هادی ، نظام ، کاظم ، اعضای کادر مرکزی سچفخا

و دیگر بخون خفتگان اسفند ماه گرامی باد !

در آستانه بهار سال 61 ، در حالیکه شکوفه های هم رنگ خون انبوه شهیدان بخون می نشست ، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی بار دیگر جنایتی هولناک آفرید . این بار قلب سازمان هدف قرار گرفت و رفقا هادی ، نظام و کاظم طی درگیری های متفاوت بشهادت رسیدند . در این درگیریها پنج فدائی دیگر رفقا جواد ، امیر ، عباس ، حمید ، خشایار نیز شهید شدند . رفیق محسن مدیر شانه چی عضو دیگر مرکزیت سازمان نیز حدود دو ماه پیش از آن طی یک درگیری بشهادت رسیده بود ، اما رژیم برای تضعیف روحیه مبارز جویانه توده ها و سازمان ، شهادت این رفقای رزمنده را همزمان و همراه با آن متلاشی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را برای چندمین بار اعلام کرد . اما تداوم سازمان و حرکت مجدد آن در سطح جامعه ، یکبار دیگر نشان داد که عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی نبض انقلاب ایران است و قلب سازمان نه تنها در کالبد اعضاء آن ، بلکه دیگر در همه جای ایران در کارخانه ها ، در روستاها ، در کردستان و ... می تپد ، قلبی که هرگز از تپیدن باز نمی ایستد .

یاد شان گرامی و راه

هشان پر رهرو باد !

نظام و کاظم ، اعضای کادر مرکزی سچفخا ، تجسم زنده این معیارها و نماد راستین عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی بودند . در مقطع انشعاب ، زمانی که بینش منحنی " اکثریت " خائن با دسیسه و تزویر ، بلعیدن سازمان را آهنگ کرده بود و زبوانه می کوشید که اندیشه سازمان را از جوهر انقلابی ، از خلاقیت و از رزمندگی تهی سازد ، آن سه کمونیست رزم آور و اندیشمند ، همدوش و هم پیمان با رفقای خویش ، نجات سازمان را از ورطه هولناک فرمیسم کمر بستند . آنان حلقه های استوار زنجیره ای پولادین بودند که همه فدائیان راستین را از سیاهکل تا امروز بهم پیوند می دهد ، آنان از نسل تداوم و اندیشه بودند ، از نسل مسعود و پویان ، از نسل بیژن ، مهرنوش ، مرضیه ، حمید ، سعید ، سیامک و ...

کارنامه حیات رفقا هادی ، نظام و کاظم کارنامه خونین عنصر فدائی است ، زیرا آنان همه مشترکات ، ویژگی ها و معیارهایی را که ممیزه عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی است ، در خود داشتند . اندیشمندی ، کوشندگی ، سازش ناپذیری ، تواضع ، عشق به زندگی ، مسئولیت شناسی و تحرک از عمده ترین خصائل این رفقای شهید بود . هر یک نقشی بزرگ در بازسازی سازمان و حفظ و تداوم میراث انقلابی آن بعد از انشعاب " اکثریت " داشتند .

خیزبهای خمشی که در نوزدهم بهمن ماه سال 49 سبزینگی دامنه های سیاهکل را گلگون کرد . در حرکت توفنده خود رودخانه خروشان را آفرید که تموج آن از امیزه خون و تبلور اندیشه فدائیان مایه میگیرد . رستاخیز سیاهکل ، نخستین سنگری بود که در دامن آن نسلی مبارز پرورده شد . نسل تداوم ، نسل اندیشه و عمل ، این نسل ماندگار ، نسلی سرسخت است و نیز نسلی مهربان و نرمدل . نسلی که سرنوشتش با سرنوشت مبارزه طبقاتی جاری در میهنمان تا درهم شکستن کامل زنجیرهای استثمار و ستم پیوند دارد . نسلی که سمبل صداقت و مبارزه است ، نسلی که در جنگل ریشه دارد ، نسل صداقت و جرئت است . نسل فدائی ، نسل کمونیست ، این نسل مبارز نه در تنگای حیات بارور خویش بلکه در فرخندگی پرفراز و فرود هستی و در زمینه سهمگین ترین مبارزات طبقاتی بشریت و در راستای تکامل تاریخ و انسان پویش میکند و خود را با همه تلاش و پویندگی ، خشتی استوار و خونین می بیند در استقرار آزادی و برابری انسان بالنده فردا . یکی از معیارهایی که آرمان عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی را مشخص میکند ، مقاومت و کوشندگی در حفظ دستاوردهای جنبش و حرکت در جهت اعتلای آنها و زدودن غبار اندیشه های ناپویا از سطح جنبش است ، و آنان ، آن سه رزمنده بخون خفته فدائی رفقا هادی

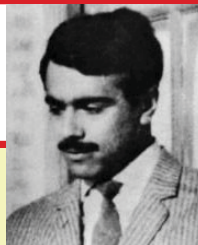
درگذشت استالین



" البته نمیتوان شایستگی استالین را در مورد خدماتی که پیش و پس از دوران انقلاب به حزب کرده منکر شد . استالین از همان آغاز فعالیتش در جنبش انقلابی ، چنان انرژی ، چنان قدرت سازماندهی و چنان قاطعیتی از خود نشان داد که بزودی جایگاه مهمی به او سپرده شد . " این اظهارات یکی از دشمنان قسم خورده استالین ، روی مدوف بورژوا زاده است که در کتاب قطور خود " در دادگاه تاریخ " سعی در به محاکمه کشیدن استالین دارد . اما همچنانکه پیداست حتی دشمنان استالین نیز نمیتوانند لیاقت شایستگی و خدمات ، قدرت سازماندهی ، انرژی و قاطعیت انقلابی او را منکر شوند . 4 مارس مصادف است با سالگرد درگذشت رفیق استالین شاگرد وفادار لنین و یکی از برجسته ترین رهبران جنبش کمونیستی جهان . بسیار کسان که با نام سوسیالیسم علیه سوسیالیسم مبارزه میکنند کینه طبقاتی خود را علیه لنین خجولانه از دریچه حمله به استالین ، کسی که راه او و آرمان پرولتاریا را با قاطعیت و پیگیری تمام دنبال کرده نشان میدهند . استالین مبارزی بود خستگی ناپذیر که از سنین نوجوانی تا آخرین لحظات حیات دمی از مبارزه نیاسود . او یکی از برجسته ترین سازماندهندگان جنبش سوسیال دمکراسی روسیه بود . استعداد ، توانائی ، تلاش ، صداقت و ایمان به آرمان پرولتاریا باعث شد که وی در زمان حیات لنین و وجود دیگر شخصیتهای برجسته حزب بلشویک روسیه به مسئولیتهای سنگینی چون سردبیری روزنامه برآودا (سال 1912) ارگان حزب بلشویک و دبیر کلی حزب

کمونیست شوروی انتخاب شود . سرسختی استالین در برخورد با دشمنان داخلی و بین المللی پرولتاریا سبب شد که مخالفین سوسیالیسم همیشه از او با کینه و نفرت یاد کنند . روشنفکران خرده بورژوائی که تلاش دارند سوسیالیسم را با دمکراسی بورژوازی جهانی و با سوء استفاده از اشتباهات استالین تلاش دارند که خدمات تاریخی او را نادیده بیانگارند . یک مقایسه اجمالی از آغاز دوران پیروزی انقلاب در روسیه تا زمان مرگ استالین با توجه به تمام مصائب و مشکلات ناشی از جنگ های داخلی و بین المللی و توطئه های پی در پی دشمنان سوسیالیسم نشان میدهد که شوروی از یک کشور عقب مانده به یکی از بزرگترین قدرتهای جهانی و پیشرفته ترین کشورها در تمام عرصه های علمی ، تحقیقی ، صنعتی ، هنری ، ورزشی ، نظامی و ... بدل گردید . کسانیکه مسئولیت تمام اشتباهات و سیاست های انحرافی دوران پیشبرد ساختمان سوسیالیسم را متوجه استالین میدانند آیا میتوانند تمام پیروزی ها و دستاوردهای آن دوره را نیز به استالین منتسب نمایند ؟ یا آنکه تمام پیروزیها بدست توده پرولتاریا و تمام اشتباهات و نارسائیهها بدست یک فرد یعنی استالین صورت گرفته است ؟ واقعیت این است که پیوند و رابطه دیالکتیکی بین این دو عامل (توده ها و رهبری) را نمیتوان نادیده گرفت ، و همچنین بخشی از اشتباهات حزب کمونیست شوروی در دوران استالین جزو اشتباهات اجتناب ناپذیر پرولتاریا در

ساختمان اولین کشور سوسیالیستی جهان میباشد . استالین رهبری کننده اولین برنامه پنج ساله سوسیالیستی بود . استالین رهبری که در مقابل تهاجم فاشیسم که نه تنها کشور شوراها بلکه کل بشریت را تهدید میکرد ایستادگی نمود و نهایتاً فاشیسم را با مقاومت و جانفشانی غیر قابل وصف پرولتاریای شوروی و با پشتوانه خون پاک 20 میلیون سرباز ارتش پرولتاریا و همچنین زحمتکشان کلیه کشورهای جهان در لانه خود مدفون کرد . " کسانی اشتباه میکنند که عمل میکنند " بی عملا مرتکب هیچ اشتباهی نمیشوند نباید با پنهان کردن اشتباهات و بعضی سیاستهای انحرافی استالین و برخورد یک جانبه به او به دشمنان رنگارنگ سوسیالیسم فرجه داد تا با تکیه بر آن خدمات استالین را پامال کنند . اشتباهات استالین عمدتاً در شیوه پیش بردن مبارزه طبقاتی ، مبارزه ایدئولوژیک درون حزبی و نحوه منکوب کردن مخالفین پنهان و آشکار حکومت کارگری بوده است . از تروتسکیست های رنگارنگ و آنارشویستها گرفته تا رویزیونیست های خروشچفی ، همه با تکیه بر همین اشتباهات تلاشی بیهوده کرده اند تا نام استالین را لکه دار کنند . تروتسکیست هائیکه تابحال در هیچ نقطه جهان جز خربکاری در انقلابات کار دیگری انجام نداده اند ، در دشمنی با استالین گوی سبقت را از بورژوازی ربوده اند . و رویزیونیست ها نیز با همدستی با بورژوازی در اینجا و آنجا خیانت خود را به پرولتاریا را با حمله به استالین تکمیل کرده اند . بکوشیم تا با برخوردی علمی ، آگاهانه ، طبقاتی و عینی نسبت به استالین از خدمات او قدردانی کرده و از اشتباهات درس بگیریم .



کوردستان

هۆ، چ کهز و کئوئیکی بهرز!
 کام چه کمه‌ی خویناوی ده‌توانی به نهم چیا
 به‌رزانه‌دا سه‌رکه‌وئ!
 کام یرا که‌ری بیگانه ده‌توانی ناسکه شاره‌زاکانی
 نهم ره‌وه‌زانه به دیل بگری!
 ئیواره‌یه‌کی خه‌فه‌تاوی،
 ئینسانئیکی دیل به ده‌ستی به‌ستراو،
 نه پیکه‌ئینئیکی به‌سه‌ر لیوه‌وه و نه گریانیک،
 به سام وئستاوه.
 هۆ، چ شیوو و دۆلئیکی قوول!
 نه‌وه‌نده قوول که ئینسانی به قوولایی "هه‌زار"
 خولفاندووه.
 هۆ، چ شیویک، هازه‌ی قزل وه‌زان له ده‌میدا
 شیرین و ناگرینه،
 به چه‌شنئیکی وا که ده‌رزته خاکی ئیمه‌وه
 وه‌ک قاسیدی دلی ناگرین خه‌لک ... [وشه‌به‌ک
 نایبستری
 نزار و لئیره‌واری به‌روو به به‌رۆکی چیاکاندا
 هه‌لده‌کشین.
 ئیواران هه‌ر مه‌لیک هه‌زار ناواری نه‌فسانه‌پی
 ده‌خوئین،
 نه‌وه‌فسانانه‌ی وه‌ک لایه‌لایه‌ی دایکیک وان که
 به هه‌وا‌ی نه‌وانه،
 کوردستانی جوان ورده ورده خه‌و دیبته‌وه.
 نه‌وسا که ده‌روانیبه پیده‌شتیبه‌کان،
 مه‌زرای سه‌وزی تووتن وه‌ک زه‌نه‌قی پراخراو،
 چاوت ده‌لاوتنه‌وه.
 به درزایی رۆژ کچان و کوران
 به پانایی نه‌وه‌شته‌دا تاره‌ق ده‌رئزن.
 ره‌شمالان له کوئستان،
 شوان له ده‌وار و بلوتر به دم شوانه‌وه،
 ناواری خویناوی لئ ده‌دا و به په‌رۆشیکی
 نه‌وه‌نده گه‌وره،
 که فه‌ره‌ادی قاره‌مانی له باوه‌شی بیستووندا
 نوقمی خوئین کرد
 و شیرین نه‌وه‌ شوخه‌ی رۆژگاری خۆی و خوئچه‌ی
 ولاته‌که‌ی له گیانی خۆی وه‌رز کرد.
 هۆ، چ کهز و کئوئیکی بهرز!
 کام چه کمه‌ی خویناوی ده‌توانی به ناو
 ره‌وه‌زه‌کانیدا پروا!
 کورانی چاوه‌گه‌لاوئز یرا که‌ری نهم ره‌وه‌زانه
 و مه‌خه‌به‌تیکی نه‌وه‌نده قوولیش له دلیاندا
 ده‌جوولئ
 که داخ ده‌بته دلی "سه‌لاحه‌دینه‌وه"،
 به حیماسه‌ی نه‌فسانه‌پی تووره‌بیه‌وه که دلی
 دوزمن داده‌خورپینئ.
 هۆ، چ کهز و کئوئیکی چه‌قیوو داکوتراوا!
 چ خه‌لکئیکی سه‌ره‌رز!
 دۆستی هه‌موان و برای ئیمه!
 هافال چه‌نده به ئه‌مه‌گی!
 نه‌مه‌گیکی نه‌وه‌نده مه‌زن وه‌کوو تاشه‌به‌رد له‌ناو
 بلیسه‌ی ناگردا.
 چ شیوو و دۆلئیکی قوول، چ ناوئیکی ناگرین!
 نزاره‌کان به بناره‌کاندا پراکشاون،
 تووتنه‌کان ده‌شتاییبه‌کانیان داپۆشیوه.
 ئیواران هه‌ر مه‌لیک هه‌زاران نه‌فسانه‌ ده‌خوئین،
 هه‌زاران و هه‌زاران.
 نه‌مه‌به کوردستان، نه‌مه‌به کوردستان!
 تا نه‌وه‌خته که قزل وه‌زان تازینه و خوره‌ی دی
 و نه‌ستیره‌کان چاو له زه‌وی داده‌گرن،
 به‌روبووی ره‌نجی شانی خه‌لکه‌که‌ت هه‌ر رۆز
 بی!
 کوردستانی برامان هه‌ر بزئ!

Kürdistan

Bu dağlar uca baş
 Uca baş dağlara qanlı çekmeler
 Yol aç bilmez
 Bu dağın ceyrani üzge oçunun
 oxuna gelmez
 Qollari bağlanan esir bir insan
 Tutqun aşımlar da ağlamaz gü-
 lmez
 Dereler derin ele derin ki
 "Hejar" derinlikde insanlar besleyib
 Dereler de axan Qızıl Uzeni
 Suyu hem şirin, hem de ateşin
 Ele bir su ki, o bizim yurdumuza
 çatanda bele,
 Hedye getirir geçdi eler den ureg
 Ateşin
 Düşler meşelik, palıt meşeler
 Aşşamlar oxur her quş min destan
 Bu lay lay sesile astaca astaca
 Uyxuya gedir güzel Kürdistan
 Bu dağlar qoca baş, elleri uca baş
 Hammiye bir dost, bize bir qardaş
 Ay yaxılan odlar da, birlikde yanar
 wefali yoldaş
 Düşlere yensek, çekilib yayılıb
 Gum gwey zanbaq tek düzler de
 tutun
 Düzlerde çalışır oğlanlar qızlar
 gündüzu butun
 Yaylaq da oba, oba da çoban
 Çobanın ağızında ince bir tutek
 O suyleyir igidler çeken ğemi
 Ele bir ğem ki Bistun Dağında
 İgid Ferhadi bulayir qana
 Esrinin güzeli, yurdunun çiçeği
 Ala güz Şirini getirer cana
 Bu dağlar uca baş
 Uca baş dağlara qanlı çekmeler yol
 aç bilmez
 Bu dağda gezeler irigüz oğullar
 Ureklerinde derin bir sevgi
 O sevgi ki Selahedinin gunlun
 dağıldi
 Efsaneler de insanlar tekin belin
 bağladı
 Dereler derin, sular ateşin
 Düzler tutunluk, düşler meşelik
 Aşşamlar qoşur her quş min de-
 stan
 Bura Kürdistan, bura Kürdistan
 Xan Qızıl Uzen axan gunedek
 olduzlar yere baxan gunedek
 Bol olsun xalqının ekdiği bostan
 var olsun bizim qardaş Kürdistan

شعر کردستان ، سروده علیرضا نابدل (اوختای)

این کوه هاسرکشند
 کوههای سرکش را چکمه های خونین نمی
 توانند در نوردند
 آهو های این کوهها نشانه تیر شکارچیان غیر
 خودی نمیگردند
 زندانیان دست بسته و اسیر
 به گاه دستگیری غروب گاهی خنده و زاری
 نمیکنند
 دره ها عمیق، آبها آتشین
 دره ها آنقدر عمیقند که
 انسانهایی به عمق فکری "هزار" را لرده
 آخان قیزیل اوزه نین
 آبهای زرینه رود که در دره ها جاری است
 هم شیرینند، و هم آتشین
 چنان آبهایی که به هنگام گذر از دیار ما
 هدیه قلبهای آتشین مردم زادگاهش را با
 خود می آورد
 دامنه ها بیشه زارند، بیشه های پر پشت
 عصر ها در هیاهوی پرندگان، هر یک
 داستانی می سرایند
 با چنین صدایی لالایی به آهستگی.
 به خواب شیرین غوطه ور میگردد کردستان
 زیبا
 این کوهها کهن سالند
 ایل ها شان سربلند
 دوست همگانند و برادر ما
 ای دوستی که به آتشها با ما
 یکجا میسوزی
 به دامنه ها که سرازیر میشود
 توتون زارهای تو سبز سبز چون زنبق فرش
 شده
 در دامنه ها پسران و دختران تو تمام روز کار
 می کنند
 بیلافهای تو مرغزار، در مرغزارهای تو چوپانها
 نی لبک به دهان چوپان
 او داستان غمگین ایل خود را می سراید
 چنان داستان غم انگیزی که به کوه
 بیستون
 فرهاد به خون خویش آغشته میگردد
 زیبای عصر خویش، زیبا گل راه خویش
 شیرین غزال چشم را بیتاب میکند.
 این کوهها سرکشند
 کوههای سرکش را چکمه های خونین
 نمیتوانند در نوردند
 در این کوهها پسران با چشمان باز
 میگردند
 قلبهاشان پر از عشق
 عشقی که قلب "صلاح الدین" را داغدار کرد.
 دره ها عمیق، آبها آتشین
 مراتع توتون زارند و دامنه ها بیشه
 عصر ها در هیاهوی پرندگان، هر یک
 داستانی می سرایند
 اینجا کردستان است
 اینجا کردستان است
 قیزیل اوزن ، تا آن روزی که جاری هستی
 تا روزی که ستارگان به زمین میگردند
 محصول بستانهایت پر بار باد.
 زنده باد برادر ما " کوردستان



یاد و خاطره رفیق کبیر
مسعود احمد زاده ،
سمبل یک کمونیست پر
شور و خلاق ، تجسم
اراده پولادین فدایی در
عزم آهنین پرولتاریا
همیشه زنده است !

برای تماس با سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست و یا
ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

خلق قهرمان، کارگران و رفقای مبارز با مشارکت و

ارسال مطالب، نظریات و انتقادات خود ما را در غنی تر

ساختن هر چه بیشتر نشریه یاری نمائید .

Kurdistan@fedayi.org

فدائیان کمونیست در فیس بوک

<http://facebook.com/sitefedayi>

ریگای گه ل در فیس بوک

www.facebook.com/regaygal

ریگای گه ل ارگان کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست

آخر هر ماه به دو زبان کردی و فارسی منتشر میشود .

ارشو ریگای گه ل و آخرین اطلاعاتی ها ، مقالات و اخبار

را در اینترنت از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.org

REGAYGAL

په رهسپارکم



نشریه
کودکان
و نوجوانان
ضمیمه
ریگای گه
ل منتشر
شد .

په رهسپارکم

په رهسپارکم

تهران، خوار، پرسنگو
په رهسپارکم
په رهسپارکم
په رهسپارکم
په رهسپارکم

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورایی !